



تصویرسازی خاقانی از القاب و صفات و خصوصیات امام علی علیه السلام

دکتر عباس ماهیدار
استاد دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده:

نویسنده‌گان و شاعران مسلمان بنا به معتقدات دینی، نوشته‌ها و سروده‌های خود را به نام الله آغاز می‌کنند، سپس به ستایش رسول اکرم علیه السلام می‌پردازند و پس از آن یاران نبی مکرم را مدح می‌کنند.

خاقانی نیز پاره‌ای از سروده‌های خود را با یاد خدا و بیان توحید آغاز کرده پس از آن ثنای مصطفی علیه السلام گفته و در مرحله بعدی به مدح چهار یار پرداخته است. بررسی سروده‌های خاقانی نشان می‌دهد که ستایش یاران رسول به صورت منفرد در شعر او دیده نمی‌شود بلکه شاعر صفات و خصوصیات خلفاً را برای ابداع مضمون‌ها استخدام کرده است و در این میان سهم امیر المؤمنین بیشتر از دیگران بوده است، با این توضیح که شاعر از اسم و کنیه و القاب شیریزدان برای ابتکار مضامین بهره جسته و غالباً با یاری تشییه و یا استعاره و یا کنایه تصویرهایی آفریده است که یکی از طرفین تشییه یا استعاره ممدوحان شاعر بوده است. این مقاله به این اشارات پرداخته و احیاناً اگر مشکلاتی در شعر بوده است برای پژوهندگان توضیح داده است.

کلیدواژه‌گان: امام علی علیه السلام، ابوتراب، میرنحل، حیدر، باب علم، مظہر مواسات و اخلاق.



امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب مکنی به ابوالحسن و ابو تراب^۱ و ملقب به مرتضی
و اسدالله و حیدر و یعسوب الدین و قاتل الهارمین و باب مدینة العلم^۲... اولین امام
شیعیان از حیث تاریخ و چهارمین خلیفه مسلمانان و یکی از نامی‌ترین سرداران
اسلام است^۳. آن حضرت در خانه کعبه به دنیا آمد و در دامان نبی اکرم ﷺ تربیت
یافت و به هنگام بعثت رسول خدا نخستین کسی بود که پس از خدیجه اسلام آورد،
در حالی که ده یا سیزده سال بیش نداشت در پشت سر پیغمبر به نماز ایستاد. به
هنگام هجرت در بستر رسول خدا خواید و در سال دوم هجرت با دختر رسول خدا
ازدواج کرد. او مدافع جان‌نثار رسول خدا ﷺ بود و در همه‌ی غزوات به جز غزوه‌ی
تبوک شرکت کرد و در راه اعتلای اسلام شمشیر زد و ابراز شجاعت نمود.

پس از رحلت رسول گرامی مستشار خلفا بود و پس از قتل خلیفه سوم با
بیعت مسلمانان با او، خلافت ظاهری نیز به او تفویض شد در ایام خلافت در بصره و
صفین و نهروان در مقابل ناکیشن (پیمان شکنان) و قاسطین (تجاوز کنندگان از حق و
متمايلان بر باطل) و مارقین^۴ (نصران بر مخالفت) ایستاد و سرانجام در رمضان سال
چهلم هجری به رفیق اعلیٰ پیوست^۵. خاقانی از اسماء و صفات و فضایل
امیرالمؤمنین به گونه‌های مختلف برای ساختن مضامین اشعار خود بهره برده است
که به شرح زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. حیدر

حیدر در لغت به معنی شیر و همچنین کوتاه قد است و حیدر نامی است که
فاطمه‌بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین به آن حضرت داد و پدرش ابوطالب آن را به علی
تفییر داد. (اصفهانی: ص ۱۴) نام یا صفت حیدر برای امیرالمؤمنین از اسماء و صفات
شناخته شده در ادب فارسی است و خاقانی مendoza خود را حیدر نامیده و از آن
تصویری ساخته است:

ملک عقیم گشته زآل یزید^۶ گفتا
کز نفس دین طراز تو به حیدری ندارم
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۲۸۱)



این بیت در مدح یکی از سرداران است و خاقانی مدعی است که پادشاهی به تزلزل گراییده آل یزید لب به سخن گشوده و او را حیدری دین طراز نامیده است:
شاها معظماً ملک الشرق خسروا تو حیدری و حرز کیان ذوالفقار تست^۷
(همان: ۸۱۸)

این بیت مطلع قطعه‌ای است که شاعر در آن شروان شاه را حیدر و شمشیر او را ذوالفقار، حافظ چشم زخم خوانده است.

۲. ابوتراب

ابوتراب یکی از کنیه‌های امیرالمؤمنین است. درباره‌ی مکنی شدن امام علی علیه السلام به ابوتراب گفته‌اند که امیرالمؤمنین در مسجدی و یا سایه‌ی درخت خرمایی^۸ به خواب رفته بود و ردای آن حضرت از کتفش به کنار رفته و تن امیرالمؤمنین خاک آلوده شده بود تا آن که رسول خدا بالای سر او حاضر شده و خاک از سروتن مبارکش پاک کرده و با خطاب «قم یا اباتراب» (اربیل: ۹۱) او را از خواب بیدار کرده بود. و از آن به بعد ابوتراب در شمار یکی از کنیه‌های امیرالمؤمنین در آمده است.^۹ (همان، ۹۰) تصویرسازی خاقانی از کنیه‌ی امیرالمؤمنین مبتنی بر هم آهنگی‌های لفظی و ابداع جناس است:

سحر حلال من چو خرافات خود نهند آری یکی است بولهب و بوترابشان
(همان، ۳۲۹)

ای ذوالفقار دست هدی زنگ گیر زنگ کان بوتراب علم به زیر تراب شد
(همان، ۱۵۷)

نظام کشور پنجم اجل رضی الدین رضای ثانی ابونصر بوتراب رکاب
(همان، ۴۹)

۳. میر نحل یا امیر النحل

میرنحل = یعسوب و یعسوب هر پیشوایی است که هم جنسان خود را راهنمایی می‌کند و این معنی در نحل زنبوران که تخم ریز زنبوران است غلبه دارد و چون زنبوران به غریزه‌ی طبیعی به دنبال او پرواز می‌کنند، او را امیر النحل می‌گویند.
(جاحظ: ۳۲۸)

لقب امیرالنحل برای امیرالمؤمنین از معنای یعسوب مستفاد است که روایت شده است که «انَ النبِيُّ قَالَ لِعَلَىٰ (رَضِيَّ) أَنْ يَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَالَ يَعْسُوبَ الْكُفَّارِ»^{۱۰} نبی اکرم ﷺ امیرالمؤمنین علی را فرمود: تو پیشوای مؤمنانی و مال پیشوای کافران یعنی مؤمنان به تو روی می آورند و کافران به سوی مال می گروند. نیز گفته‌اند که امیرمؤمنان را به سبب سبقت در اسلام و جز آن یعسوب الدین گفته‌اند.^{۱۱}

خاقانی یک بار در ستایش حضرت مصطفی در غزوه بدر حضرت علی علیه السلام را امیر النحل خوانده و مضمون بیت زیر را ابداع کرده است:

در علمش میرنحل نیزه کشیده چو نحل غرقه‌ی صد نیزه خون اهل طعان و ضراب
(همان، ۴۴)

بار دیگر به هنگام زیارت کاروان حاجیان از مشهد امیرالمؤمنین از کلمه امیرالنحل برای ابتکار مضمون استفاده کرده است:

پس به کوفه مشهد پاک امیر النحل را همچو جیش نحل جوش انسی و جان دیده‌اند
بس پلگان گوزن افکن که چون شاخ گوزن پشت خم در خدمت آن شیر مردان دیده‌اند
(همان، ۹۰)

۴. اسدالله، شیر یزدان

اسدالله=شیر یزدان از القاب امیرالمؤمنین است. شجاعت امام علی علیه السلام موجب شده است که جامعه‌ی اسلامی او را شیر خدا بنامد:

من خاک خاک او که ز تبریز کوفه ساخت خاکی که اندو اسدالله کند کنم
(همان، ۳۰۳)

و در بیت زیر اسدالله را شیر یزدان گفته است:

رانده ز آنجاتا به خاک حله و آب فرات موقف الشمس و مقام شیر یزدان دیده‌اند
(همان، ۹۰)

منظور از «آنجا» در این بیت «مداین» است که در بیت قبلی مذکور است. حله: شهری است آبادان و در سر راه بغداد به کوفه واقع است و به حله‌ی بنی مزید مشهور است. سيفالدوله صدقه بن منصور^{۱۲} (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۵۱ و ۴۴۰) (۴۷۹ -

۱۹۵۰ هـ) در سال ۴۹۵ هـ حق حله را که منزل گاهی بیش نبود به شهری تبدیل کرد و پلی از کشتی‌ها بر روی رودخانه‌ی فرات بست و اندک اندک مسیر کاروان‌های حج

همایشی «آنچه از ادب و علم اسلامی، اسلامیت و علم اسلامی باشد» اسال اول، شاده اول، پاییز ۱۳۹۵

به سمت حله تغییر یافت (گای: ۷۷)، موقف الشمس: جایی در کنار نهر صراة^{۱۲} (همان، ص ۱۷۳) که از شعبات رود فرات است. روایت کردند که امیر المؤمنین در یکی از سفرهای خود به هنگام غروب به کنار نهر صراة رسید و چون بعضی از یاران آن حضرت پیش از غروب مجال گذشتن از رود را پیدا نکردند از اضطراب فوت وقت نماز آزرده و اندوه‌گین شدند، امیر المؤمنین دعا کرد تا خورشید در جای خود متوقف شد و یاران مراسم نماز به جای آوردند. علمای خاصه این واقعه را یکی از معجزات امیر المؤمنان شمرده‌اند. (مجلسی، ۱۲۶۴؛ ۳۸۹؛ اربلی: ۳۸۹؛ زواره‌ای: ۲۸۹)

خاقانی افزون بر این دو لقب برای امیر المؤمنان، ترکیبات کنایی وصفی بسیاری مانند: شیر مردان، شیر غاب، شیر شرزه‌ی غاب، شیر وغا، سرخ غصنفر و جز آن را که معنایی مترادف با اسدالله دارند ابداع کرده و از آن‌ها مضمون ساخته است: بس پلنگان گوزن‌افکن که چون شاخ گوزن پشت خدمت آن شیر مردان دیده‌اند (خاقانی، ۱۳۸۲؛ ۹۱)

همبر شیر غاب دیدستند^{۱۳}

به پیر کشته‌ی غوغا و شیر شرزه‌ی غاب

(همان، ۵۱)

در ییشه‌ی صولت چو علی شیر وغا

مانند علی سرخ غصنفر تویی ارچه

(همان، ۴۳۷)

سگ بیدار کهف را در خواب

به یار محرم غارویه میر صاحب دلق

در کشور دولت چونبی شهر علومی

مانند علی سرخ غصنفر تویی ارچه

۵. رزم علی (ع)

شیر بیشه‌ی شجاعت به نوشته‌ی مورخان و سیره‌نویسان در همه‌ی غزوات رسول خدا به جز غزوه‌ی تبوک همراه وفادار پیغمبر اسلام بود او در غزوه‌های بدر و أحد و خندق و خیر رشادت‌های تحسین برانگیز از خود به نمایش گذاشت در بدر ولید بن عقبه (سیره رسول الله، ص ۵۶۱) و در خندق عمر و بن عبدود (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۸۱) و در خیر مرحب خیری (زواره‌ای: ۲۸۶) را که هر یک از نامی ترین دلاوران عرب بودند به قتل رسانید (طبری، ۱۹۶۰: ۷۷-۸۸) و در نبرد با مارقین بیشتر خوارج را به هلاکت

رسانید و در غزوه‌ی احمد چنان پایداری و مواساتی از خود نشان داد که از ملکوت آسمان ندای «السیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی» به گوش‌ها رسید. (رازی: ۴۳-۴۹) خاقانی از این شجاعت‌ها و یاری کردن‌های امام علی علیه السلام تصویرهای مختلف

به دست داده و فداکاری آن حضرت را در غزوه‌ی بدر چنین ترسیم کرده است:

در علمش میر نحل نیزه کشیده چون خل غرقه‌ی صد نیزه خون‌اهل طعان و ضراب
چون بن سوزن به قهر کرده خراب و بیاب
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۴)

و در بیت زیر ضربتی را که امیر مؤمنان در روز خندق بر عمروین عبدود وارد

آورده دست مایه‌ی ساختار مضمون بیت قرارداده است:

ذوالفقار تو لاجرم بشکافت تارک ذوالخمار بدعت را

(همان، ۴۷۰)

ذوالخمار: جنگ‌آوری که صورت خود را با روی بند می‌پوشاند و عازم نبرد می‌شود و مراد از ذوالخمار در این بیت عمروین عبدود است، چه سیره نویسان گفته‌اند که او با علامت و نشانه‌یرون آمده بود تا شناخته شود و مؤلف کشف الغمه نیز نقل کرده است که عمروین عبدود بر تن خود علامتی نصب کرده بود تا نشان جایگاه و شهامت او باشد (اربیل: ۲۶۵). لفظ ذوالخمار در قصیده‌ی سنایی نیز اشاره‌ای واضح به او دارد:

عالی پر ذوالخمار است از خمار خواجه‌گی ای دریغا در جهان یک حیدر کرار کو؟
(همان، ۵۷۴)

در بیت زیر نیز شروانشاه در شجاعت به امام علی علیه السلام تشییه شده است:

ای چراغ یزیدیان^{۱۵} که دلت چون علی خیر ستم بشکافت

(همان، ۴۷۰)

و در اغراقی شاعرانه شدت ضربت امیر مؤمنان را در جنگ خیبر با حدّت سنان

ممدوح در برابر هم گذاشته و گفته است:

او البرز از سنان شکافد گر تیغ علی شکافت فرقی

(همان، ۵۱۲)

و در بیت زیر شجاعت امام علی علیه السلام در جدال با مارقین را دست مایه مضمون بیت

ساخته است.

آنست علی رایتی قاتل هر خارجی
و آنست قباد آیتی قامع هر مزدکی
(همان، ۹۲۷)

۶. ذوالفقار علی الاعلی

ذوالفقار (به فتح فاء) به معنی دارندهٔ فقرات است و فقره هر یک از مهره‌های پشت را گویند که ستون فقرات را تشکیل می‌دهند و گفته‌اند: چون بر پشت ذوالفقار خراش‌های پست و هموار وجود داشته از این روی آن را ذوالفقار می‌گفتند و این که بعضی‌ها گمان برده‌اند ذوالفقار دارای دو تیغه و یا دو زبانه بوده است اصلی ندارد و ساخته و پرداخته ذهن پاره‌ای از متأخران است. دربارهٔ ذوالفقار در کتاب‌های سیره و تاریخ اقوال مختلف نقل شده است؛ بعضی‌ها آن را شمشیر رسول خدا گفته‌اند (قشیری: ۲۷۹، و ابن‌ماجه: ۹۳۹) و روایت کردۀ‌اند که در جنگ احمد امام علی الاعلی ضربتی بر سر کافری زد که از سپر تا سینه‌ی او را شکافت اماً شمشیر امام نیز شکست، صورت حال پیش رسول خدا گفت، رسول خدا شمشیر خود را «ذوالفقار» به امیر مؤمنان داد از دلاوری‌هایی که امام علی در میدان نبرد نشان کرد زمین و زمان را شکفت شدند و ندای «لا سیف الا ذوالفقار و لا فتنی الاعلی» از آسمان به گوش رسید. (ابن اثیر: ۱۵۴)

و نیز نقل شده است که ذوالفقار به منبهٔ بن حجاج سهمی تعلق داشته که در جنگ بدر در ضمن غنائم جنگی به دست مسلمانان افتاد و به رسول خدا رسید (ابن ماجه: ۹۳۹، و قشیری: ۲۷۹). جماعتی گفته‌اند که ماده‌ی اصلی ذوالفقار از آهنی بوده است از بتی در یمن که مورد پرستش مردم بوده و امیر المؤمنین آن را شکسته و نزد رسول خدا آورده است و از آن دو شمشیر ساخته شده که یکی از آن دو ذوالفقار بوده است (رازی: ۴۱). پاره‌ای از مفسران نیز در تفسیر آیه‌ی «و انزلنا الحديد فيه بأس شديد» (حدید: ۵۷) گفته‌اند که منظور از آهن در این آیه ذوالفقار است (همان). و جمعی را نیز عقیده بر این است که ذوالفقار شمشیر بهشتی است و جبرئیل آن را از بهشت آورده و نزد رسول خدا گذاشته تا در اختیار امیر المؤمنین قرار بگیرد.

حاقانی از همین روایت به ابتکار مضمون پرداخته است:

دورها بوده در زمین بهشت تیغ حیدر برادر تیغش

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۸۷)

و در بیت زیر با استفاده از روایتی که اصل ذوالفقار آهن بتی بوده است با ترک ادب شرعی اصل گوهر شمشیر حیدری را برگرفته از نعل اسب مددوح شمرده است:

آفتاب دولت سلجق که نعل رخش اوست
اصل آن گوهر کرو شمشیر حیدر ساختند
(همان، ۱۱۲)

در باقی مانده‌ی تصویرها تیغ مددوحان خاقانی به طریق استعاره به ذوالفقار مانند شده و ذوالفقار نام گرفته‌اند:

مصطفی عزم و علی رزمی که هست ذوالفقارش پاسبان مملکت
(همان، ۴۹۳)

از گهر یزیدیان زاده علی شجاعی
کز سر ذوالفقار او زاده قضای راستین
(همان، ۴۶۲)

چون حیدر ذوالفقار بر کش
تا چرخ جهودسان نجند
(همان، ۵۱۳)

توضیح‌آباید افزود که متولی خلیفه‌ی عباسی در سال ۲۳۵ هـ فرمان داد که برای تمایز شدن مسلمانان از کلیمیان و مسیحیان ذمی، نصاری زنار بر کمر بندند و جماعت یهودیان غیار بر کتف خود بدوزنند. شاعر خورشید را عیار جامه‌ی کبود فلک تصور کرده و آسمان به سبب داشتن چنین رذایی چرخ جهودسان گفته است و نیز باید گفت که دوختن غیار بر ردای آسمان در شعر خاقانی بی‌سابقه نیست:

آن زرد پاره‌بین که چه پیدا برافکند
گردون یهودیانه به کتف کبود خویش
(همان، ۱۳۳)

زرد پاره استعاره از خورشید است که گردون مانند جهودان بر کتف کبود و خویش دوخته است.

۷. علم علی علی اللہ عاصم

امام علی علی اللہ عاصم تعلیم یافته‌ی مصطفی است علی اللہ عاصم یعنی برخی از آنچه به صورت وحی بر مصطفی نازل شده است بر سینه‌ی او ریخته شده است و حدیث «انا مدینة العلم و علی بابها» رسول خدا فرمود که من شهر علم و علی در آن است، زبان زد

خاص و عام است. شاعر در بیت زیر ممدوح خود خاقان اکبر را با ترک ادب شرعی - که در سرودهای ایام جوانی او بسیار دیده می‌شود، به رسول خدا علی‌الله و علی مرتضی علی‌الله تشبیه کرده و او را دُرْ دریای عقول و دَرْ مدینه‌ی علم یاد کرده است:

زبدی دور عالمی ز آن چونی و مرتضی بحر عقول رادری شهر علوم رادری
(همان، ۴۲۴)

و در بیت زیر المقتضی (۵۳۰-۵۵۵ ه.ق) را خلیفه‌ی عبای رای بوبکر سیرت و علی علم گفته است:

بو بکر سیرت است و علی علم و تابد من در دعا بلالش و در حکم قبرش
(همان، ۲۲۱)

۸. کرم و سخای علی

شهرت امام علی علی‌الله به رادردی و بخشش، بی نیاز از ذکر و توصیف است و اقرار علمای عامه و خاصه به شأن نزول آیات زیر برای بیان کرامت و سخاوت او بسنده است.

الف: آنما ولیکم الله و رسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة و هم راكعون (مائده ۵۵) خداوند کارساز و یار شما و همدم شما الله است و رسول وی و پس مؤمنان، آنان که نماز به پای می‌دارند و زکات مال می‌دهند و ایشان پشت خم دادگان در رکوع. در روایات آمده است که آن ساعت که این آیه نازل شد، جمعی از اصحاب در نماز بودند و شماری نیز تمام کرده بودند و بعضی در رکوع بودند و قومی در سجود، رسول خدا در آن میان درویشی را دید که در مسجد می‌گشت و سؤال می‌کرد. او را پیش خواند و فرمود: «هل اعطاك احد شينا؟» آیا کسی چیزی به تو بخشید؟ گفت: بلی آن جوان مرد که در نماز است انگشتی سیمین به من داد. پرسید در چه حالی بود؟ گفت: در حال رکوع، اشاره به انگشتی کرد و من انگشتی از انگشت او درآوردم و چون به آن جانب نگریستند، امیر المؤمنین علی مرتضی بود. (میبدی: ۱۵۲)

و در حدیث ابن عباس آمده است:

«تصدق على بخاتمه و هو راكع فقال النبي عليه السلام للسائل: من اعطاك هذا الخاتم؟

قال ذلك؟ الراكع فانزل الله فيه «أَنَّمَا وَلِيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» (على المتقى: ١٠٨)

ب: وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حَبَّةٍ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَاسِيرًا (دهر ٧٦، ٨؛ وطعام

مي كنند به سبب دوستي او درويش و يتيم و اسير را).

علمای عامه و خاصه به اتفاق گفته‌اند: آیه در شأن اميرمؤمنان و خاندان او نازل

شده است و نقل کرده‌اند که حسین^{علیه السلام} هر دو بیمار شده بودند. رسول خدا با

جماعتی از صحابه به عیادت ایشان رفتند و گفتند: يا اباالحسن برآمد عافیت و شفای

فرزندان خود نذری کن. امام نذر فرمود که به شکرانه شفای آن دو تقریباً الى الله

روزه بگیرد. حضرت فاطمه و کنیز او نیز چنین نذری کردند. پس از بهبود حسین

امام سه صاع گندم خرید تا حضرت زهرا هر روز از يك صاع آن نان تهیه کند.

چون روز اول بر سر خوان نشستند درويشي بر در ايستاد و سؤال کرد. بزرگواران

غذا به سائل دادند. روز دیگر چون بر سر سفره افطار نشستند، يتيمی بر در ايستاد و

نان خواست، کريمان نان به يتيم دادند و روز سوم، اسيری در زد و طلب نان کرد،

ايشارگران خانه‌ی مولا، حضر به اسير دادند تا اين آیه در حق ایشان نازل شد.^{۱۶}

(میدی: ۳۱۹ - ۲۳۰؛ سیوطی ۳۷۴-۳۷۱)

سنایی هم این اتفاقات را در بیت زیر جمع کرده است:

زان سه قرص جوین بی مقدار یافت در پیش حق چنین بازار

(سنایی: ۱۳۷)

خاقانی در ابيات زير ممدوحان خود را در کرم و جود و سخا به اميرمؤمنان

تشبيه کرده است:

نعم روی زمین کوست به عدل و سخا چون عمر و چون علی گرد جهان داستان
(خاقانی، ۳۵۲؛ ۱۳۸۲)

علي وار تخم کرم کاشتش چو قحط کرم دید در مرز دهر
(همان، ۸۹۱)

احمد سيري و حيدر احسان خورشيد دلي و مشترى زهد
(همان، ۳۴۷)

پژوهشگاه علم اسلام و مطالعات مربوطه

۹. علی علیّه السلام نماد پهلوانی

در زندگی هر ملتی بنا به پیش آمدهای گوناگون کسی یا کسانی ظهور می کنند که توجه جامعه را به خود جلب می کنند و اندک اندک نماد برخی صفات واقع می شوند. این نماد برای مردم ایران در حماسه‌ی ایرانی، رستم دستان بوده است. او مردی خردورز دلاور، شمشیر زن، طراح حمله‌ها و مرد دفاع و تدبیرهای جنگی است. پس از آن که مسلمانان آین اسلام را پذیرفتند آرام آرام از صلابت و صولت رستم کاسته شده و یک پهلوان خدایی در زندگی مسلمانان بویژه ایرانیان پیدا آمده است. او جز شاه ملک لافتی علی بن ابی طالب نیست. مردمان به او دل باخته‌اند و رابطه‌ی عاطفی بسیار قوی میان آنان و شاه مردان به وجود آمده است. شاعران یاد کرد او را زیور و زینت زاده‌ی قریحه‌ی خود کرده‌اند و همدم رستم دستان ساخته‌اند چنان که مولوی شیر خدا را با رستم دستانش آرزو کرده است:

زین همراه سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

(کلیات شمس: ۲۵۵/۱)

خاقانی هم در مذایع خود گاهی این دو اسطوره را با هم آورده و در تشبیهات خود از آن دو بهره جسته است:

حیدر آتش سنان آمد به رزم

رستم آرش کمان آمد به رزم

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۹۵)

و در بیت زیر ممدوح را رستم حیدر کفایت خوانده است:

داور مهدی سیاست مهدی امت پناه رستم حیدر کفایت حیدر احمد لوا

(همان، ۲۰)

۱۰. علی علیّه السلام و بی توجهی او به دنیا

در این باب سوال معاویه از یکی از یاران امیر مؤمنان درباره‌ی بی توجهی امام به دنیا و جواب او در این باره حجتی شایان توجه است. شیعه‌ی امام علی علیّه السلام گفت: امام در تاریکی شب‌ها در محراب عبادت می‌ایستد و گریه می‌کند و برخود می‌بیچد و می‌گوید: ای دنیا ای دنیا از من دور شو «... دیگری بفریب مرا به تو نیازی نیست و قد طلقتکِ ثلثاً لا رجعة فيها» ترا به سه طلاق بائی طلاق داده‌ام که هیچ گونه

بازگشته در آن نیست. (۱۱۹ و مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۲۸) خاقانی به مناسبت مرگ پسرعم خود، پدرش علی را به توجهی علی‌وار به دین دعوت می‌کند: علی را گو که غوغای حوادث کشت عثمان را علی‌وار از جهان بگسل که ماتم دار عثمانی (خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۵)

۱۱. علی علیّه السلام و اجتهد او در قضاوت

استوارترین آراء در فتوی و قضاوت به امام علی علیّه السلام تعلق دارد و این قولی است که جملگی بر آنند، حتی گفته‌اند که خلیفه‌ی دوم گفت: «لا يفتين احداً في المسجد وعلى حاضر» (ابن ابی الحدید: ۱۸) در آن حال که علی علیّه السلام در مسجد حضور دارد البته که کسی فتوی ندهد. و در حدیث نیز آمده است: «على اقضاكم» (اربیلی: ۱۳۴) علی علیّه السلام بهترین شما در قضاوت است و خاقانی از رأی مصیب امام علی علیّه السلام مضمون آفریده است:

بعن يخ ار فاروق ثانی را کنم مدحت به جان
کاجتهد حیدری رأی مصیش یافتم
(همان: ۹۰۶)

۱۲. عصمت و تقوای امام علی علیّه السلام

مولف حلیة الاولیاء در شمار القاب امیر مؤمنان «ولی المتقین» و «قدوة المتقین» را نیز نقل کرده است (اصفهانی: ۶۱) و بی‌گمان شیر ولایت پیشوای خدای ترسان است. از ابن عباس نقل شده است که مراد از لفظ «متقین» در آیه‌ی «ان للمتقین مفازاً» (نباء: ۷۸) پرهیز‌گاران را رستنگاهی است جای پیروزی،^{۱۶} علی بن ابی طالب است که سید و سرور کسانی است که از ارتکاب به خواهش پرهیز داشته‌اند. (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۲۰)

و از تقوی هزار فضیلت بر می‌خizد که از جمله‌ی آن‌ها عصمت و پاکدامنی است. شاعر در دو بیت زیر به هنگام برشمردن فضایل دو تن از عالمان دین صفات آن دو را در پاکدامنی همچون صفات ولی‌المتقین یاد کرده است.

این یکی صادق آن دگر طیار	دو علی عصمت و دو جعفر جاه
کرده غارت چو حیدر کرار	هر دو زنبور خانه‌ی شهوات
(همان، ۱۳۸۲: ۲۰۲-۲۰۳)	

پی‌نوشت‌ها:

۱. درباره‌ی دیگر کنیه‌ها و وجه تسمیه‌ی بوتراب رک: کشف‌الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۹۰.
۲. درباره‌ی دیگر القاب امیرالمؤمنین ر.ک: همان، ص ۱۹، و حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۱، ص ۶۱.
۳. در این مقاله کنیه‌ها و لقب‌ها با توجه به یاد کرد خاقانی از آن‌ها نقل شده است.
۴. درباره‌ی ناکثین و قاسطین و مارقین ر.ک: کشف‌الغمة فی معرفة الانمأة، ج ۱، صص ۱۶۹-۱۷۱.
۵. در کتاب دو سیمای شیر بزدان در حدیقة الحقيقة توضیحات مفصل‌تری درباره‌ی زندگی امام علی (ع) نقل کرده‌ایم، ص ۳۵-۱۳.
۶. بعضی‌ها شروانشاهان را به جهت انتساب آنان به یزید بن یزید شیبانی (متوفی ۱۸۵هـ)، که از طرف هارون الرشید (۱۹۳-۱۷۰هـ)، والی ارمنستان و آذربایجان و شروان و در بند بود آل یزید و با یزیدیان گفته‌اند.
۷. برای ملاحظه‌ی تصویرهای دیگر، ر.ک: دیوان، صص ۵۴، ۲۰، ۷۶، ۱۱۲، ۱۲۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۳، ...، ۲۰۳
۸. هر دو روایت را در کتاب «سیمای شیر بزدان در حدیقة الحقيقة» نقل کرده‌ایم، ص ۱۴.
۹. کنیه‌های امام (ع) عبارت بوده‌اند از: ابوالحسن، ابوالحسین، ابوالريحانین و ابوتراب.
۱۰. در کنز العمال به صورت «علی یعسوب المؤمنین و المال یعسوب الکفار»، ج ۱۱، ص ۶۰۴.
۱۱. حیة الحیوان الکبری، کمال الدین محمدبن موسی دمیری، ج ۲، ص ۴۴۱.
۱۲. امیر صدقه بن منصور بن ابليس بن مزید (مقتول در سال ۵۰۱هـ) در سال ۴۷۹هـ پس از مرگ پدرش امارت یافت.
۱۳. نهر صراة یکی از شعبات بزرگ رود فرات است که به موزات نهر عیسی در نزدیکی شهر انبار از فرات جدا می‌شده و در نزدیکی بغداد به دجله می‌ریخته است.
۱۴. خاقانی در قطعه‌ای مدعی شده است که هشت نفر صدیق در یک هفته و در خواب‌های مختلف رسول خدا را دیده‌اند که نظر عنایتی به سوی خاقانی می‌کند و امیرالمؤمنان را فرد سوم این رویا یاد کرده‌اند و در این بیت شاعر خویشن را سگ اصحاب کهف تصور می‌کند در کنار امام علی (ع) است.
۱۵. مراد از یزیدیان شروان شاهان هستند که پیش از این درباره‌ی آنان سخن گفته‌ایم.
۱۶. کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۱۰، صص ۳۱۹-۳۲۰. و سیوطی این حدیث را با شرحی مفصل‌تر نقل کرده و آن را از موضوعات شمرده است. اللئالی المصنوعه فی احادیث الموضوعه، ج ۱، صص ۳۷۱-۳۷۴.

منابع و مأخذ

١. ابن ابی الحدید، معتلی، شرح نهج البلاعه.
٢. ابن ماجه، ابوعبدالله محمدبن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.
٣. ابوعلام عمروبن بحر جاحظ، کتاب الحیوان، به اهتمام عبدالسلام محمدهارون دارالحیاء التراث العربی.
٤. اسحق بن محمد همدانی، ترجمه، سیرت رسول الله، بنیاد فرهنگ ایران.
٥. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، قم، مؤسسه دارالکتاب، ایران، بی تا.
٦. اصفهانی، ابونعمیم احمدبن عبدالله، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت، دارالکتاب العربیة.
٧. امیرالمؤمنین علی علیہ السلام نهج البلاعه، ترجمه و تحقیق فیض الاسلام.
٨. بیهقی، ابویکر احمدبن حسین، دلایل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، ٧ مجلد بیروت، دارالکتاب العلمیة.
٩. جزری، ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار بیروت و دار صادر ١٩٦٥.
١٠. خاقانی شیروانی، افضل الدین بدیل، دیوان مصحح دکتر ضیاءالدین سجادی، چاپ هفتم، زوار، تهران، ١٣٨٢.
١١. دمیری، کمال الدین محمدبن موسی، حیاة الحیوان الکبری، قم، منشورات رضی.
١٢. رازی، تفسیر شیخ ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چاپ آستان قدس.
١٣. روایت ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، مناحل الشفاء و مناهل الصفا به تحقیق کتاب شرف المصطفی دارالبشاری الاسلامیة.
١٤. زواره‌ای، علی بن حسین، ترجمة المناقب، نشر ادب الحوزه و کتابفروشی اسلامیه.
١٥. سترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، ترجمه و نشر کتاب.

١٦. سنایی، مجذوب بن آدم، حدیقة الحقيقة و شرایعه الطریقہ، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی.
١٧. سیوطی، عبدالرحمن، اللئالی المصنوعة فی الاحادیث الموضعیة، بیروت، دارالمعرفه.
١٨. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوك، دارالمعارف مصر، ١٩٦٠.
١٩. علی المتقی بن حسام الدین، کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله.
٢٠. علی بن عیسی اربیلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمۃ، به اهتمام سید ابراهیم میانجی.
٢١. ماهیار، عباس ، سیمای شیر یزدان در حدیقة الحقيقة، کرج، جام گل.
٢٢. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، چاپ دوم، دارالکتب اسلامیه، ١٣٦٤.
٢٣. میبدی، رشیدالدین ابوالفضل، کشفالاسرار و عدة البرار، تهران، چاپ دانشگاه تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرستال جامع علوم انسانی

فهرست نشریات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرستال جامع علوم انسانی